



مقدمه مترجم فارسی: شاید تز سوم از تزه‌های فوئرباخ تنها متن مارکس درباره آموزش باشد که به فارسی ترجمه شده است. تا پیش از این، آنچه می‌توان آن را نظریه‌ی آموزشی (پداگوژیک) سوسیالیستی و کمونیستی خواند، یکسره برآمده از نوشتارگان شورویایی بود. هر چند خود مارکس هم جز در تکه‌هایی پراکنده میان سخنرانی‌ها و بخش‌هایی از سرمایه در جایی دیگر به مسأله آموزش کاری ندارد اما آنچه درباره این موضوع به فارسی در آمد - در چارچوب رویکردی سوسیالیستی - حتا به همین تکه‌پاره‌ها هم اشاره‌ای نکرده است. ترجمه این دو تکه از سخنرانی مارکس در نشست‌های شورای عمومی انجمن بین‌المللی کارگران صرفاً برای توجه‌دادن به ملاحظات کسی است که درست در دوره‌ای می‌زیسته

که دیگر نظریه پردازان نام‌نشان‌دار آموزش مانند ماتیو آرنولد می‌زیسته‌اند. از این لحاظ این دو تکه می‌توانند صرفاً و صرفاً نقطه‌آغازی برای مناقشه بر سر درک مارکس از آموزش عمومی باشند.

این دو متن از مجموعه آثار کارل مارکس و فردریش انگلس جلد ۲۱ صص ۳۹۸-۴۰۰ منتشره در انتشارات بین‌الملل (Int. publication) ترجمه شده‌اند. این دو تکه برگرفته از پیش‌نویس نشست‌های شورای عمومی در تاریخ ۱۰ تا ۱۷ آگوست ۱۸۶۹ هستند.

[۱]

شهروند مارکس گفت: معضله عجیب و غریبی درباره این مسأله وجود دارد. از یک سو برای تغییر در اوضاع و احوال اجتماعی، برپایی یک نظام آموزشی مناسب ضروری است و از سوی دیگر، یک نظام مناسب آموزش برای پدید آمدن، نیاز به تغییری در اوضاع و احوال اجتماعی دارد. به جایی بر می‌گردیم که آغاز کرده بودیم.

پرسشی که در این کنگره‌ها مورد بحث قرار گرفت این بود که آموزش ملی باشد یا خصوصی؟^۱ آموزش ملی به‌عنوان آموزش حکومتی در نظر گرفته می‌شد، اما لزوماً چنین نبود. در ماساچوست

^۱ مسأله آموزش ملی در کنگره‌های قبلی انجمن بین‌المللی در جنوا (۱۸۶۶)، لوزان (۱۸۶۷) و بروکسل (۱۸۶۸) مورد بحث قرار گرفته بود

هر شهری مجبور بود که مدرسه‌هایی را برای آموزش ابتدایی همه کودکان تدارک ببیند. در شهرهایی با بیش از ۵ هزار نفر جمعیت، مدارس مقاطع بالاتر برای آموزش فنی تدارک دیده شده بود، و همین‌طور در شهرهای بزرگ‌تر برای سطوح بالاتر. دولت سهمی در این مدارس داشت اما نه زیاد. در ماساچوست یک‌هشتم مالیات‌های محلی خرج آموزش می‌شد، در نیویورک، یک‌پنجم. کمیته‌های مدرسه که مدارس را مدیریت می‌کردند، محلی بودند، آن‌ها معلمان را تعیین و کتاب‌ها را انتخاب می‌کردند. مشکل و خطای نظام [آموزش] امریکایی این بود که بیش‌ازاندازه محلی‌شده بود، آموزش ارائه‌شده، به وضع فرهنگ غالب در هر منطقه بستگی داشت. البته گاهی سروصدایی برای [اعمال] نظارت مرکزی بر می‌خاست. مالیات‌دهی برای مدارس اجباری بود اما حضور کودکان، اجباری نبود. آن مالیات‌ها از دارایی‌ها داده می‌شد و مردمی که آن مالیات‌ها را می‌پرداختند، می‌خواستند که آن پول به‌شکلی مفید استفاده شود. آموزش می‌تواند ملی باشد بدون آن‌که حکومتی باشد. حکومت می‌تواند بازرس‌هایی تعیین کند و وظیفه‌شان را نظارت بر رعایت قوانین قرار دهد، درست مثل بازرسان کارخانه که بر رعایت قوانین کارخانه نظارت می‌کنند البته بدون قدرت دخالت در خط‌سیر خود آموزش.

کنگره باید بدون هیچ تردیدی تصویب کند که آموزش باید اجباری باشد. همان‌طور که باید از کار کودکان جلوگیری شود، یک چیز قطعی و ضروری است: چنین کاری باید بدون کم‌شدن مزدها انجام شود و مردم باید بتوانند از آن استفاده کنند.

پرودونیست‌ها مدعی اند که آموزش رایگان بی‌معنا است چرا که دولت پولش را می‌دهد؛ البته که کسی باید پولش را بدهد، اما نه از جیب آن‌هایی که استطاعت کمتری دارند. آموزش دانشگاهی نباید رایگان باشد.

نظر به اینکه آموزش پروسی بسیار مورد بحث قرار گرفته است، او [مارکس] نتیجه می‌گیرد که نظام پروسی تنها به درد پروراندن سرباز خوب می‌خورد [نه چیز دیگر].

[II]

شهروند مارکس گفت: روی نکات اصلی متفق‌القول ایم. این بحث با پیشنهاد تأیید دوباره راه‌حل [تأییدشده در کنگره] جنووا آغاز شد که می‌خواست که آموزش فکری^۱ باید با کار بدنی^۲ ترکیب شود، همراه با ورزش‌های بدنی^۳ و مهارت‌آموزی فناورانه^۴. چیزی بر خلاف آن نمی‌شود گفت.

^۱ Mental education

^۲ Bodily labour

^۳ Gymnastics

^۴ Technological training

مهارت‌آموزی فناوریانه که نویسندگان پرولتری از آن دفاع می‌کنند، راهی است برای جبران کمبودهای ناشی از تقسیم کار که کارآموزان را از دستیابی به دانشی فراگیر درباره کارشان باز می‌دارد. این نوع مهارت‌آموزی^۱ حفظ کرده و بد فهمیده است آن چه را طبقه متوسط آموزش فنی^۱ می‌خواند.

همان‌طور که خانم هریت لو^۲ درباره بودجه کلیسا پیشنهاد داده، اینکه [دارایی و درآمد کلیسا به مدارس انتقال یابد] سیاستی خوب برای کنگره است تا مخالفت خود را با کلیسا ابراز کند.

پیشنهاد شهروند میلنر^۳ برای ارائه به مدارس مناسب نبود؛ نوعی از آموزش بود که جوان‌ها باید از بزرگ‌ترهایشان در مبارزه هرروزه زندگی بیاموزند. او نباید [سخنان] وارن را مثل کتاب مقدس بپذیرد، این، موضوعی بود که تعداد کمی می‌توانستند با آن موافق باشند. باید بیفزاییم که چنین آموزشی نمی‌تواند در مدرسه ارائه شود بلکه باید بزرگ‌ترها آن را منتقل کنند.

هیچ چیزی نباید چه به مدارس ابتدایی و چه بالاتر وارد شود که به تفسیر حزبی یا طبقاتی راه دهد. تنها موضوعاتی مانند علوم فیزیکی، گرامر و مانند آن برای مدارس مناسب اند. برای نمونه فرقی نمی‌کند

^۱ Technical education

^۲ Harriet law

^۳ جرج میلنر در نشست‌های شورا در ۱۰ و ۱۷ آگوست ۱۸۶۹ پیشنهاد کرد که باید اقتصاد سیاسی بورژوایی به کودکان آموزش داده شود، که از منظر پرولتری قابل قبول نبود و در عمل صرفاً به تأثیر ایدئولوژیک بورژوازی حاکم را بر نسل نوحاسته می‌افزود. میلنر مخصوصاً تأکید کرد به ارائه ایده «ارزش کار» و توزیع به شاگردها. او به‌ویژه ارجاع می‌داد به سوسیالیست اتوپیایی امریکایی وارن که نظریه «مبادله برابر (just exchange)» را موعظه می‌کرد. [پانویس مترجمان مجموعه/نار به انگلیسی]

که قواعد دستور را یک محافظه‌کار مذهبی^۱ تشریح کند یا یک متفکر آزاد. موضوعاتی مانند اقتصاد سیاسی، مذهب و دیگر موضوعات [مانند این‌ها] نباید در مقطع ابتدایی تدریس شوند و نه حتی در مدارس مقاطع بالاتر. این نوعی از آموزش است که باید به بزرگسالان و معلمانی مانند خانم لو واگذار شود و همچنین در اتاق‌های سخنرانی^۲ ارائه شود.^۳

مسئله لغو [هزینه‌های] ارتش^۴ در کنگره بروکسل طرح و حل شد. به نظر نمی‌رسد که طرح دوباره آن لازم باشد.

¹ Religious Tory

² Lecture room

^۳ در ترجمه این بخش به جای متن اصلی یعنی «موضوعاتی که به نتیجه‌گیری‌های متفاوت راه می‌دهند باید حذف شده و به بزرگترها و معلم‌هایی مانند خانم لو واگذار شود که در حوزه دین آموزش می‌دهند» از متن دیگری استفاده کردم که مترجمان انگلیسی از گزارش نشست شورای عمومی در ۱۷ آگوست ۱۸۶۹ منتشر شده در روزنامه *The Bee-Hive* (شماره ۴۰۱، ۲۱ آگوست ۱۸۶۹) نقل کرده‌اند و آن را در پانوشته‌های خود آورده‌اند. این متن دوم به‌نظرم بسیار دقیق‌تر و واضح‌تر آمد. [مترجم فارسی]

^۴ مارکس به این دلیل به لغو ارتش دائمی اشاره می‌کند که در بحث‌ها در نشست‌های شورای عمومی، اکاریوس و رکلوس پیشنهاد افزایش منابع مالی برای آموزش عمومی را از طریق لغو هزینه‌های ارتش دائمی دادند. [پانویس مترجمان مجموعه آثار به انگلیسی]